

زمینه‌ها و بسترهای تجرد قطعی در میان شاغلین و کارکنان (مورد مطالعه کارکنان سازمان تأمین اجتماعی)^۱

زهرا میرحسینی^۲، حمیده حسین‌زاده^۳

چکیده:

هدف: امروزه بحث افزایش سن ازدواج و تجرد قطعی مورد توجه سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران اجتماعی قرار گرفته است، در این بین تجرد کارکنان و شاغلین، به‌عنوان قشری که ممکن است به‌لحاظ موقعیت اجتماعی-اقتصادی در شرایط بهتری برای ازدواج باشند، بیش از سایر اقشار حائز بررسی است.

روش: در این پژوهش تلاش شده است تا با استفاده از روش تحقیق کیفی و مطالعه پدیدارشناسانه توصیفی و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۶ نفر از کارکنان سازمان تأمین اجتماعی و همچنین بهره‌مندی از روش تحلیل داده‌های کولایزی، زمینه‌ها و بسترهای تجرد مورد مطالعه قرار گرفته و شناسایی شود.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، در مجموع دو مقوله اصلی «زمینه‌ها و بسترهای متأثر از سازمان» و «زمینه‌ها و بسترهای فردی و اجتماعی» که خود شامل هفت مقوله فرعی «نظام ساختاری و سازمانی»، «عدم متناسب‌سازی شرایط شغلی با زندگی خانوادگی»، «ضعف قوانین حمایتی سازمان»، «تجرد گزینی به‌مثابه سبک زندگی»، «درهم تنیدگی عقاید سنتی و رویه‌های مدرن»، «چالش‌ها و مسائل اقتصادی-اجتماعی» و «ترسناک‌انگاری ازدواج» است.

نتیجه‌گیری: در مجموع یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، تجرد کارکنان مسئله‌ای اجتماعی است که علاوه بر زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تحت تأثیر زمینه‌ها و بسترهای سازمانی بوده و کاهش آن نیازمند حمایت‌های سازمانی است.

واژه‌های کلیدی: تجرد، کارکنان، زنان و مردان، سازمان تأمین اجتماعی.

۱- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی زمینه‌ها و بسترهای تجرد قطعی کارکنان تأمین اجتماعی و ارائه راهکارها» و تحت حمایت مالی موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی است.

۲- عضو هیئت علمی، گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س)، تهران. (نویسنده مسئول)
Z.mirhosseini@alzahra.ac.ir

۳- کارشناسی ارشد مطالعات زنان، گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س)، تهران.

۱. مقدمه

افزایش سن ازدواج و بالا رفتن میزان تجرد در بین جوانان یکی از چالش‌ها و مسائل جامعه امروز است که نظر صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی و همچنین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی را به خود جلب نموده است. چراکه نگران از تغییر و تحولات نهاد خانواده و رایج شدن سبک نوینی از زندگی مبتنی بر تجرد هستند (تاج‌بخش و نصیری، ۱۴۰۰؛ بشیری خطیبی و همکاران، ۱۳۹۹). تجرد به معنای عدم ازدواج، فردی است که تنها یا با خانواده زندگی می‌کند و همچنین به معنای شرایطی است که فرد پس از طلاق یا از دست دادن همسر تجربه می‌کند. مفهوم تجرد در چهارچوب نظام خانواده و خویشاوندی تعریف و تبیین می‌شود و حول مفهوم «ازدواج» معنا می‌یابد که در فرهنگ‌های مختلف انسانی معانی و موقعیت‌های اجتماعی متفاوتی به خود می‌گیرد. باتوجه‌به پیشینه خانواده و نظام خویشاوندی در جهان که تغییرات زیادی تاکنون داشته و رواج شکل غالب «خانواده هسته‌ای» به‌عنوان شکل پذیرفته‌شده خانواده در دنیای امروز در اکثر مناطق جغرافیایی و مناطق فرهنگی، مفهوم «تجرد» در نحوه مجرد ماندن زن یا مرد بدون ازدواج در طول زندگی و پذیرفتن شرایط آن، امری نسبتاً جدید است که مانند بسیاری از تغییرات دیگر در نظام خانواده و خویشاوندی از جوامع غربی آغاز شد و به‌مرور زمان به جوامع دیگر سرایت کرد. مفهوم «تجرد» در این معنا، بسته به جنسیت و شرایط فرهنگی جوامع مختلف، می‌تواند دلایل متفاوتی داشته باشد (سلامتی هرمزی، ۱۳۹۰: ۴).

اما اگر تجرد در جامعه‌ی ایرانی را به‌معنای ساده‌ی زندگی انفرادی و جدایی زن یا مرد از خانواده، در قالب‌های مختلف زندگی مشترک با یک هم‌خانه به‌جز همسر و یا زندگی مستقل تک‌نفره بدانیم، پدیده‌ای نسبتاً جدید است. به‌طوری‌که مقایسه سن ازدواج جوانان با سن ازدواج پدران و مادران، نشان می‌دهد، در کشور با افزایش میانگین سن ازدواج و در نتیجه تأخیر در ازدواج مواجهیم، منظور از تأخیر در سن ازدواج، وقوع ازدواج در سنینی است که از لحاظ عرفی، از سن قانونی و عرفی ازدواج در جامعه بالاتر است و در واقع ازدواج ممکن است در سنینی بالاتر رخ داده و یا حتی هرگز اتفاق نیفتند. از این رو است که گفته می‌شود با پدیده تأخیر در ازدواج و تجرد قطعی مواجهیم که پدیده‌ای جدید در کشور ما است (رضا دوست و ممبینی، ۱۳۹۰: ۱۴؛ شکوری و همکاران، ۱۳۹۷).

اگرچه در طول دهه‌های متمادی تغییراتی در نظام خانواده در ایران رخ داده، اما همچنان زندگی مجردی و تجرد از منظر اجتماعی امری غیررسمی و در عین حال امری غریب و متفاوت با مقبولیت اجتماعی و فرهنگی در بین کارکنان سازمان‌ها و افراد جامعه است. چراکه تجرد گزینشی و آگاهانه یکی از شیوه‌های جدید زندگی است که در جامعه ایرانی که هنجارهای زندگی خانوادگی در آن به‌شدت قوی است، سابقه و دامنه پذیرش چندانی ندارد و با ارزیابی هنجارهای رایج جامعه و اهمیتی که همچنان خانواده و زندگی خانوادگی در جامعه ایران دارد، می‌توان آن را به‌نوعی نابهنجاری تلقی نمود. برخی از

کارشناسان این حوزه بر این باورند که صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی منجر به کاهش شدید نفوذ گروه‌های خویشاوندی در زندگی اعضاء خود شده و فردگرایی و استقلال اقتصادی و اجتماعی جایگزین وابستگی شده و شکل خانواده هسته‌ای را به سایر جوامع تعمیم داده است. از این حیث معتقدند الگوی متعارف خانواده دچار دگرگونی شده است (جنادله و رهنما، ۱۳۹۳).

در این بین نکته‌ی مهم دیگر این است که گرچه امروزه ازدواج به‌عنوان یک عمل ارادی به خواسته‌ها، گرایش‌ها و دیدگاه‌های فردی بستگی دارد، اما روابط پیچیده انسان با زندگی اجتماعی و محیط او باعث می‌شود که وقوع ازدواج بیش از هر چیز تابع روابط دوسویه با متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی باشد. بنابراین ازدواج هم در سطح خرد و از نظر فردی و هم از منظر کلان قابل بررسی است (ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰: ۴۳). نتایج آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵ که در سایت مرکز آمار ایران منتشر شده نشان می‌دهد؛ بیش از ۵ میلیون و ۴۳۱ هزار نفر از جمعیت ۱۵ الی ۳۹ ساله دختران مجرد هستند و جمعیتی بالغ بر ۴۲۶ هزار دختر نیز در بازه‌ی سنی ۴۰ سال و بیشتر هرگز ازدواج نکرده‌اند. بر طبق آمارها در همین سایت در حالی که میانگین سن در اولین ازدواج بر حسب جنس در کشور در سال ۱۳۳۵ برای مردان ۲۴/۹ بوده، این میزان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۷/۴ و به‌صورت صعودی رشد قابل توجهی داشته است. همچنین بر اساس این آمار در حالی که میانگین سن ازدواج برای دختران در سال ۱۳۳۵ برابر با ۱۹ سال تمام بوده است، در سال ۱۳۹۵ این مقدار در یک روند افزایشی برابر با ۲۳ سال گزارش شده است. بر اساس آمارهای گزارش شده‌ی دیگر به‌موازات ثبت ۵۷۰۶۱۸ ازدواج در سال ۱۴۰۰ که سایت مرکز آمار ایران بر نقل از سازمان ثبت احوال گزارش داده است ۲۰۳۹۰۴ طلاق نیز به ثبت رسیده است (سایت مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲)، که تعداد بسیاری از این افراد را نیز می‌توان در زمره مجردین و یا کسانی که ممکن است هرگز ازدواج نکنند، محسوب نمود.

در تحقیقات انجام شده در زمینه تجرد و مطالعه ابعاد آن، اغلب صاحب‌نظران به تأثیر ابعاد اقتصادی و چالش‌های موجود اقتصادی در زمینه ازدواج و تشکیل زندگی خانوادگی اشاره دارند، با این حال بررسی‌های آماری نشان می‌دهد، تعداد زیادی از مجردین در بین شاغلین بخش‌های دولتی و غیردولتی قرار دارند که به لحاظ مالی و اقتصادی توانایی تشکیل خانواده و فراهم نمودن زندگی متأهلی را دارند (شکوری و همکاران، ۱۳۹۷). این وضعیت در بین کارکنان سازمان تأمین اجتماعی نیز مشهود است، به‌طوری‌که آمارهای غیررسمی در سازمان تأمین اجتماعی نشان می‌دهد، در حال حاضر از جمعیت ۳۵ هزار نفر شاغل در حدود ۶ هزار فرد مجرد در این سازمان مشغول به کار هستند که عدد قابل توجهی است و ضمن حائز اهمیت نمودن این موضوع، نقش عوامل دیگری را نیز در بروز پدیده تجرد در بین کارکنان پررنگ می‌نماید.

باتوجه به اهمیت نقش و جایگاه تأمین اجتماعی در کشور به عنوان یکی از مهم ترین سازمان های خدماتی و حمایتی (در معنای عام) و بیمه گر (در معنای خاص) که تقریباً تمامی آحاد جامعه به نوعی با آن در ارتباط هستند و از طرفی دفاتر و مراکز درمانی و ستادی آن در سراسر کشور گسترده شده، بررسی ابعاد پدیده مجرد و مطالعه زمینه ها و بسترهای رخ داد آن در بین کارکنان سازمان تأمین اجتماعی و ارائه راهکار در این خصوص ضروری و حائز اهمیت بوده و مطالعه آن می تواند به شناخت ابعاد این پدیده و ارائه راهکارهای کاربردی برای کاهش مسئله در تأمین اجتماعی در سطح کشور منجر شود. به بیانی نظر به اهمیت موضوع در جامعه ما به لحاظ فرهنگی و اجتماعی و آمارهای ذکر شده که از افزایش سن ازدواج حکایت دارد، بررسی این پدیده و یافتن راهکارهایی برای جهت دهی آن در مسیر درست و بهنجار اهمیت دوچندان می یابد و دستاوردهای این تحقیق نه تنها برای تأمین اجتماعی و شناسایی زمینه ها و بسترهای مجرد کارکنان آن، بلکه می تواند در شناسایی عوامل مؤثر بر مجرد در میان کارکنان و شاغلین سایر سازمان ها و نهادها نیز مورد توجه و استناد قرار گیرد. در این تحقیق تلاش شده تا با استفاده از روش کیفی و انجام مطالعه ای پدیدارشناسانه به این سؤالات پاسخ داده شود که زمینه ها و بسترهایی که موجب مجرد در میان کارکنان سازمان تأمین اجتماعی می شود، چیست؟ از نظر مصاحبه شونده گان اشتغال آنها در سازمان چه تأثیری بر مجرد آنان داشته و در نهایت شرایط و وضعیت جامعه و همچنین ویژگی های فردی و اجتماعی آنها چگونه بستر و زمینه مجرد را برای آنها فراهم نموده است.

۲. مروری بر پیشینه تحقیق:

بررسی ادبیات و پیشینه موضوع پژوهش نشان می دهد، تاکنون در تحقیقی مستقیماً به موضوع مورد پژوهش در میان کارکنان این سازمان اشاره ای نداشته است، از این رو تحقیقات و پژوهش هایی که به موضوع تحقیق حاضر نزدیک بود، مورد مطالعه قرار گرفته است. در میان تحقیقات خارجی می توان به پژوهش آپوستولو^۱ (۲۰۱۹) اشاره کرد. وی در مقاله ای با عنوان «آیا افراد با انتخاب آگاهانه مجرد هستند؟ مجردی غیرارادی در دیدگاه تکاملی علم روانشناسی»، در تلاش است تا افرادی که به طور غیرارادی و یا اجباری مجرد ماندند (به گونه ای که برخلاف میل خود برای داشتن رابطه ای صمیمی مجبور به زیست تنهایی شده اند) را در بافتار فرهنگی یونان بررسی نماید. داده ها حاکی از آن بود که حدود نیمی از مشارکت کنندگانی که مجرد بودند به طور ناخواسته و تحمیلی مجرد مانده اند.

ماتویریگادس^۲ (۲۰۱۵)، در مطالعه دیگری با عنوان «رابطه بین سن زنان در ازدواج و پیشرفت اقتصادی» الگوهای ازدواج را در هشت کشور آمریکای لاتین بررسی کرد. نتایج تحقیقات وی نشان می دهد که از یک سو افزایش تحصیلات و دسترسی احتمالی به بازار کار به ویژه برای زنان عامل مؤثری در افزایش

1- Apostolou
2- Maubrigades

چشمگیر سن ازدواج است و از سوی دیگر فرآیند شهرنشینی، رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های جدید باعث افزایش سن ازدواج زنان شده است.

وانگ و آبوت^(۲۰۱۳)، مطالعه‌ای با عنوان «در انتظار همسر ایدئال: معنای تنهایی در میان زنان تحصیل کرده چینی ۳۰ ساله و بالاتر در پکن و گوانگژو» انجام دادند. آن‌ها بر این باورند که اگرچه مجردی برای زنان جوان به یک روش زندگی در کشورهای غربی تبدیل شده است، زنان مجرد بالای ۳۰ سال هنوز به‌عنوان یک استثنا در جامعه چین شناخته می‌شوند. آن‌ها با روش پدیدار شناختی در تلاش برای بازبانی معنایی مفهوم مجرد بودن و به دست آوردن دید دست‌اول از چگونگی احساسات این زنان بودند و به این نتیجه رسیدند که ارزش‌های اجتماعی خانواده‌های سنتی چینی این زنان را مجبور به ازدواج و فرزنددار شدن می‌کند.

در میان پژوهش‌های داخلی نیز می‌توان به تحقیقات زیر اشاره نمود:

گنجی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی دختران ازدواج‌نکرده ایلامی برحسب دلایل تجرد» به گونه‌شناسی دختران ازدواج‌نکرده در شهر ایلام می‌پردازد. اساسی‌ترین سؤال این پژوهش این بوده است که دلایل عدم ازدواج یا تأخیر در سن ازدواج دختران در جامعه‌ای با بافت سنتی همچون ایلام چیست؟ بدین منظور این پژوهش با استفاده از روش کیفی و تکنیک سنخ‌شناسی به بررسی سؤال مورد نظر پرداخته است. نتایج نشان از آن داشت که در تفسیر شرایط دختران مجرد ایلامی می‌توان ۸ سنخ «دختران مجرد سردرگم»، «دختران مجرد سرخورده»، «تعویق ازدواج تا تحقق اهداف»، «دختران مجرد مبادله‌نگر»، «دختران مجرد استقلال‌طلب»، «انگ خورده‌گان»، «دختران گرفتار در پنجره نگرشی بسته» و «دختران مجرد کمالگرا» را استخراج نمود؛ در مجموع بر اساس یافته‌ها می‌توان نقش قاطع تغییرات اقتصادی و فرهنگی را در وضعیت دختران ازدواج‌نکرده‌ی شهر ایلام شاهد بود.

بشیری خطیبی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی تجردگزینی جوانان: مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات» به مطالعه ابعاد تجردگزینی جوانان با استفاده از روش کیفی و نظریه زمینه‌ای پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد تجردگزینی بستر مسائلی از قبیل دوسوگرایی در ازدواج (مانند ترس و نگرانی از آینده)، تأخیر در سن ازدواج، کاهش رشد شخصی ادراک‌شده، وسواس در انتخاب، بی‌اعتنایی به ازدواج، احساس ناتوانی احساسی و عاطفی و... می‌شود.

حسینی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «واکاوی دلالت‌های معنایی ازدواج نزد جوانان: مطالعه موردی جوانان مجرد ساکن شهر تهران سال ۱۳۹۶» درصدد شناخت دلالت‌های معنایی ازدواج و تصویر

ذهنی جوانان و راهبرد آنان به ازدواج هستند. در این پژوهش محقق از روش کیفی از نوع رویکرد پدیدارشناسی بهره برده است. مشارکت‌کنندگان «واپس‌زدگی» به ازدواج ناشی از چهار مقوله ترس، بی‌میلی، افول ارزش‌های فرامادی و لذت‌گرایی را تجربه می‌کنند با دلایل معنایی در سه مقوله الگوی معیشت شامل اقتصاد ناایمن مرد، عدم توان مدیریت هزینه‌ها، استقلال مالی زنان؛ مناسبات ارزشی نوپدید شامل ارزش‌های اخلاقی و مناسبات اجتماعی ارتباطی شامل وضعیت اجتماعی و چگونگی ارتباطات دو جنس با یکدیگر قابل تفسیر است. توجه به معیشت جوانان، ایجاد شغل و درآمدزایی باید در اولویت برنامه‌های دولت و بخش‌های خصوصی قرار گیرد. ترمیم زیرساخت‌های فرهنگی ارزشی بازتولید شده در مناسبات ارتباطی متأثر از کنش کنشگران، جامعه‌پذیری مجدد از سوی نهادهای ذی‌ربط را لازم دارد.

شکوری و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان»، را با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و با استفاده از روش نمونه‌گیری ترکیبی خوشه‌ای و تصادفی ساده در ادارات شهر همدان انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق که باتوجه به دغدغه‌های ناشی از آمار بالای کارمندان مجرد با درآمدهای نسبتاً بالا و امنیت شغلی کافی نشان داد، متغیرهای تمکن مالی ناکافی علی‌رغم داشتن درآمد و شغل، دشوار سازی ازدواج و منوط کردن اقدام به ازدواج به شروط سخت که برآورده کردن آن در شرایط امروز جامعه مشکل است، نگرانی و ترس از داشتن ازدواج ناموفق، اعتقاد به هزینه تأمین فرصت ازدواج، معاشرت با جنس مخالف و لذت مجردي، داشتن انتظارات آرمان‌گرایانه از ازدواج و نوع نگرش به ازدواج، از عوامل معنادار مرتبط با تجرد کارکنان بوده است.

درمجموع بررسی پیشینه‌های تحقیق نشان می‌دهد، بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده به روش کمی و حول محور مطالعه نگرش افراد مجرد به‌ویژه دختران نسبت به ازدواج صورت پذیرفته و مشارکت‌کنندگان عموماً جمعیت‌های دانشجویی بوده‌اند، درحالی‌که بررسی نگرش شاغلین درگیر با تجرد قطعی در جامعه در یک پژوهش کیفی مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار یافته، علاوه بر اینکه می‌تواند در فهم و شناسایی بسترها و زمینه‌های تجرد در سازمان‌ها و ارگان‌های اجتماعی نقش مؤثری داشته باشد، می‌تواند در شناسایی ابعاد تغییرات و دگرگونی‌هایی که در جامعه رخ می‌دهد و درک دقیق‌تری از الگوهای رفتاری افراد نیز مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۳. چهارچوب مفهومی پژوهش:

جایگاه نظریه و مباحث نظری در پژوهش‌های کمی و کیفی متفاوت است، در تحقیقات کیفی محققین قصد فرضیه‌آزمایی نداشته و نظریه‌ها اساس کار نمی‌باشند. در این قبیل پژوهش‌ها معمولاً اجازه داده می‌شود تا مفاهیم، ایده‌ها و نظریه‌ها از دل تحقیق رشد و نمو کند و در برابر ایده‌های از پیش تصور

شده و همچنین محصور ساختن ادراکات در حال ظهور، مقاومت کنند (بلیکی، ۱۳۸۹: ۳۱۵). با این حال این موضوع به معنی خالی بودن ذهن از مباحث نظری نیست و مباحث نظری در قالب ملاحظات نظری و به‌عنوان چهارچوب‌های ارجاعی و استنادی در تمام مراحل تحقیق به‌ویژه در مرحله تحلیل و تفسیر داده‌ها به‌عنوان ابزاری تحلیلی در اختیار محقق بوده و با ارجاع و استناد به نظریه‌ها دستاوردهای پژوهش مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در مجموع مباحث نظری مرتبط با موضوع تحقیق را می‌توان در سه دسته رویکرد اقتصادی، جامعه‌شناختی و جمعیت‌شناختی دسته‌بندی نمود.

۳-۱. رویکرد اقتصادی

این رویکردها با تکیه بر مدل‌ها و روش‌های اقتصادی و با فرض منطقی و محاسبه‌گر بودن انسان‌ها، تمامی رفتارهای او از جمله انتخاب همسر و ازدواج را تبیین می‌کنند. مهم‌ترین نظریه‌های اقتصادی که تبیین‌هایی در مورد افزایش سن ازدواج ارائه داده‌اند، عبارتند از: نظریه هزینه-فرصت (محاسبه چه به دست می‌آورند و چه از دست می‌دهند)، نظریه بیشینه‌سازی سود (رفتار در جهت به دست آوردن حداکثر سود)، فرضیه جذابیت (میزان جذابیت اقتصادی-اجتماعی ازدواج) و انگاره اروپایی ازدواج (به تأخیر انداختن ازدواج تا زمان به دست آوردن امکانات مادی مطلوب) (شکوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰). علاوه بر این، نظریه تورم رکودی نیز از جمله نظریاتی است که با تکیه بر مفاهیم اقتصادی تلاش دارد تا تأخیر در سن ازدواج را در رابطه با اوضاع نابسامان اقتصادی تبیین نماید. لذا بنابراین رویکرد نظری، افراد در دوره‌های رونق اقتصادی بیشتر ازدواج می‌کنند و در دوره‌های بحران و رکود، تمایل کمتری به ازدواج دارند. در واقع تورم، بیکاری، هزینه‌های تأمین مسکن و ازدواج، فرد را به این نتیجه می‌رساند که شرایط ازدواج آماده نبوده و باید آن را به آینده موکول نماید (حبیب‌پورگتابی و غفاری، ۱۳۹۰).

۳-۲. رویکرد جامعه‌شناختی:

در این دسته نظریات به تأثیر عوامل اجتماعی و تمایل به ازدواج و یا تجرد افراد پرداخته شده است. از جمله در نظریه همگرایی ویلیام گود، وی معتقد است مدرنیزاسیون در سطوح فردی و اجتماعی صورت گرفته و بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارد. از جمله شاخص‌های مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصت‌های آموزشی، حضور در بازار کار به‌ویژه فعالیت اقتصادی زنان و شهرنشینی اشاره کرد که با توجه به شرایطی که در دنیای مدرن ایجاد کرده‌اند بر روند ازدواج تأثیرگذار بوده‌اند (محمودیان، ۱۳۸۳). از طرفی مدرنیزاسیون بر عقاید و باورهای افراد جامعه نیز تأثیرگذار بوده و آنها را نیز دچار تحول و دگرگونی می‌نماید که تغییر نگرش به ازدواج از جمله این تغییرات است (محبی و همکاران، ۱۳۹۵). نظریه ارزش‌های فرامادی اینگلهارت (۱۳۸۳) نیز بر تأثیر روندهای مدرن بر عقاید، احساسات، رفتار و انتقال مؤلفه‌های فرهنگی اشاره داشته و معتقد است تغییرات حاصله موجب شکل‌گیری خودمحوری و فردگرایی افراد و سنت‌زدایی در طبقات اجتماعی می‌شود که در نهایت منجر به تغییر

سلايق و ترجیحات افراد به سمت ارزش‌های فردی، آزادی و استقلال و در نتیجه افزایش سن ازدواج و مجردگزینی می‌شود.

۳-۳. رویکرد جمعیت‌شناختی:

نظریات جمعیت‌شناختی نیز به تأثیر عوامل جمعیتی و تغییرات سطح ازدواج و باروری، افزایش طلاق و تغییرات سن ازدواج در تبیین علل مجرد توجه نشان داده‌اند. از جمله نظریات این رویکرد می‌توان به نظریه محرومیت نسبی ایسترلین^۱ (۱۹۷۶) اشاره کرد، که بر روندهای گذار جمعیتی بر اساس تنش بین آرزوهای مادی و کمبود فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای مطلوب در دهه ۱۹۷۰ تأکید دارد. بر اساس این نظریه شرایط سخت بازار کار که ویژگی آن کمبود امکانات در مقایسه با درآمد مطلوب است، در نهایت منجر به تغییراتی در رفتار اقتصادی و جمعیتی افراد به‌منظور پر کردن این شکاف می‌شود که تأخیر در سن ازدواج یکی از واکنش‌های آشکار آن است (ایسترلین و همکاران، ۱۹۹۰). در نهایت در نظریه مضیقه ازدواج نیز بر عدم تعادل تعداد میان مردان یا زنان در سن ازدواج تأکید شده که یکی از پدیده‌هایی است که در دوران گذار جمعیتی نمود دارد و می‌تواند منجر به مجرد گروهی از افراد شود (درودی، ۱۳۸۳).

۴. روش‌شناسی پژوهش

۴-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق کیفی و مطالعه پدیدارشناسانه توصیفی انجام شده است. بر این اساس در این پژوهش با ۲۶ زن و مرد مجرد شاغل در تأمین اجتماعی که در فاصله سنی ۳۰ تا ۵۴ سال قرار دارند، مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته شده است. مطابق با استراتژی پدیدارشناسی تلاش شده تا افراد باتوجه به تجربه زیسته مشترک مجرد و اشتغال در تأمین اجتماعی انتخاب شده و برحسب تفاوت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی که دارند در این پژوهش شرکت نمایند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت هدفمند و گلوله برفی بوده و فرایند بدین شکل صورت گرفته که در پایان هر مصاحبه از افراد خواسته شده تا فرد دیگری که شرایط شرکت در تحقیق را دارا بوده و حاضر به مشارکت در پژوهش می‌باشد، به محقق معرفی نماید. باین حال برای رعایت اصول اخلاقی کلیه افراد به‌طور کاملاً آگاهانه و داوطلبانه در تحقیق شرکت کرده‌اند و به آنها اطمینان داده شده است که مصاحبه‌ها و مشخصات آنها به‌طور کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته بوده است. بدین معنا که بر اساس سؤالات محوری پژوهش، مصاحبه‌نامه‌ای منعطف تهیه شده و از هریک از مصاحبه‌شوندگان سؤالات

پرسیده شده و از دل پاسخ‌های افراد نیز سؤالات منعطفی با هدف فهم ابعاد مسئله تحقیق طرح و پرسیده شده است. فرایند مصاحبه‌ها و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع داده یعنی مرحله‌ای که دیگر از میان مصاحبه‌های انجام‌شده مفهوم جدیدی استخراج‌نشده و داده‌ها تکراری شده، پیش رفته‌است. هر مصاحبه معمولاً در حدود ۲۵ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامیده و با توجه به محدودیت‌های تحقیق و نظر مشارکت‌کنندگان برخی مصاحبه‌ها به صورت تلفنی و یا مجازی انجام‌شده است. مصاحبه‌ها با اجازه مشارکت‌کنندگان و با تأکید بر محرمانه ماندن آنها نزد محقق ضبط‌شده است. برخی سؤالات محوری تحقیق عبارتند از؛

- از نظر مصاحبه‌شوندگان مهم‌ترین علل تجرد افراد چیست؟
- از نظر مصاحبه‌شوندگان چه عوامل و زمینه‌های فرهنگی در تجرد افراد مؤثر است؟
- از نظر مصاحبه‌شوندگان در پژوهش، تغییرات اقتصادی و اجتماعی در جامعه چه تأثیری بر تجرد افراد دارد؟
- از نظر مشارکت‌کنندگان چه عوامل سازمانی در فراهم‌سازی زمینه تجرد نقش داشته است؟

۲-۴. تحلیل داده‌ها

در فرایند تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کولایزی (Collaizi) استفاده‌شده است (کرسول، ۱۳۹۴). بدین‌صورت که در گام اول ابتدا متن مصاحبه به صورت دقیق و مکرر گوش‌داده شده و اظهارات شرکت‌کننده کلمه به کلمه یادداشت شده و سپس جهت درک بیشتر تجارب و احساسات شرکت‌کنندگان چندین بار متن پیاده شده، مطالعه شده است. در مرحله بعدی توصیفات و جملات مهم از دل مصاحبه‌ها مشخص شده و در مرحله سوم مفاهیم مرتبط با توصیفات استخراج‌شده است. در واقع در این مرحله سعی شده یک مفهوم که نشان‌دهنده تفکر فرد در خصوص عبارات است، تعیین گردد و از صحت ارتباط بین مفاهیم تدوین‌شده و عبارات اطمینان حاصل شود. در چهارمین مرحله مفاهیم استخراج‌شده مورد مطالعه قرار گرفته و بر اساس تشابه دسته‌بندی شده‌اند که در مرحله پنجم از مقایسه و ادغام آنها دسته‌های کلی‌تری تشکیل شده است. در ششمین مرحله با بیانی بدون ابهام، تلاش شده تا توصیف جامعی از پدیده ارائه شود و در مرحله آخر نیز جهت اعتباربخشی به پژوهش به نقل‌قول‌ها در بخش گزارش یافته‌ها ارجاع شده است. علاوه بر این به منظور اطمینان از اعتبار یافته‌ها در هنگام مصاحبه نیز تلاش شده تا با استفاده از تکنیک کنترل اعضا^۱ و اطمینان از فهم دقیق روایت‌ها، آنچه مشارکت‌کننده می‌گوید به‌طور صحیح تفسیر شود.

در جدول ۴-۱، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش ترسیم‌شده است.

جدول ۱. سیمای مصاحبه‌شوندگان

ردیف	کدمصاحبه‌شونده	سن	جنسیت	سطح تحصیلات	سابقه کار	سمت
۱	P۰۱	۴۰	زن	دکتری	۸	کارمند
۲	P۰۲	۴۴	مرد	کارشناسی	۱۷	کارمند
۳	P۰۳	۴۳	زن	کارشناسی	۱۹	کادر درمان پرستار
۴	P۰۴	۳۱	زن	دکتری	۳	کادر درمان
۵	P۰۵	۴۲	مرد	کارشناسی ارشد	۱۵	کادر درمان
۶	P۰۶	۴۸	زن	کارشناسی	۲۰	کادر درمان
۷	P۰۷	۴۴	زن	دکتری	۱۰	کادر درمان
۸	P۰۸	۴۰	مرد	کارشناسی ارشد	۱۶	کادر درمان
۹	P۰۹	۳۹	مرد	کارشناسی	۱۵	کادر درمان
۱۰	P۱۰	۴۱	زن	کارشناسی	۱۵	کارمند
۱۱	P۱۱	۳۱	مرد	کارشناسی	۷	کارمند
۱۲	P۱۲	۳۰	زن	کارشناسی ارشد	۵	کارمند
۱۳	P۱۳	۳۶	مرد	کارشناسی	۱۰	کارمند
۱۴	P۱۴	۳۸	زن	کارشناسی ارشد	۱۰	کارمند
۱۵	P۱۵	۴۵	زن	کارشناسی ارشد	۱۰	کادر درمان
۱۶	P۱۶	۳۰	مرد	کارشناسی	۸	کارمند
۱۷	P۱۷	۳۰	زن	کارشناسی ارشد	۵	کارمند
۱۸	P۱۸	۳۰	مرد	کارشناسی ارشد	۴	کارمند
۱۹	P۱۹	۴۴	زن	کارشناسی	۲۰	کارمند
۲۰	P۲۰	۴۴	مرد	کارشناسی ارشد	۲۰	کارمند
۲۱	P۲۱	۳۸	مرد	کارشناسی	۱۲	کارمند
۲۲	P۲۲	۴۰	زن	کارشناسی ارشد	۱۲	کادر درمان
۲۳	P۲۳	۳۲	زن	دکتری	۶	کادر درمان
۲۴	P۲۴	۵۴	مرد	دکتری	۲۵	کادر درمان
۲۵	P۲۵	۳۴	زن	کارشناسی ارشد	۹	کادر درمان
۲۶	P۲۶	۳۲	زن	کارشناسی ارشد	۸	کادر درمان

۵. یافته‌های پژوهش

در مجموع تحلیل مصاحبه‌های کیفی نشان می‌دهد، با توجه به مسئله‌مند بودن تجرد در جامعه و تأییراتی که جامعه بر آن داشته است، زمینه‌ها و بسترهای تجرد کارکنان تأمین اجتماعی را می‌توان در دو مقوله اصلی «زمینه‌ها و بسترهای متأثر از سازمان» و «زمینه‌ها و بسترهای فردی و اجتماعی» که خود شامل هفت مقوله فرعی و حدود ۸۵ مفهوم اولیه است، مقوله‌بندی نمود. در ادامه مقوله‌های تحقیق ارائه شده است.

۵-۱. مقوله اصلی اول: زمینه‌ها و بسترهای متأثر از سازمان

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده در مجموع سه مقوله «نظام ساختاری و سازمانی»، «عدم متناسب‌سازی شرایط شغلی با زندگی خانوادگی» و «ضعف قوانین حمایتی سازمان» را به‌عنوان زمینه و بستر تجرد کارکنان که متأثر از ساختار و عملکرد سازمانی است را مورد شناسایی قرار داده که در ادامه به آنها پرداخته شده است.

۵-۱-۱. نظام ساختاری و سازمانی:

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد، نوع ساختار و ماهیت کار در سازمان تأمین اجتماعی و ویژگی‌های متأثر از آن، از نظر برخی مشارکت‌کنندگان به‌عنوان زمینه و بستر ساز مسئله تجرد مورد شناسایی قرار گرفته است. در مجموع مفاهیمی نظیر؛ «فشار کاری، حجم کار بالا، کار با ارباب‌رجوع، کمبود نیرو، مشکلات شغلی پزشکان و پرستاران، وقت کم، بار شیفت زیاد کادر درمان، سختی کار، گستردگی و تنوع واحدهای سازمانی، تبعیض شغلی، تنوع شغلی، تفاوت و تبعیض در نوع استخدام (قراردادی، ساعتی، رسمی و...)»، از جمله مفاهیم و اظهارات مهمی است که از دل مصاحبه‌های انجام شده استخراج شده است. باین حال موقعیت شغلی و نوع شغل افراد نیز در بیان این روایت‌ها تأثیرگذار بوده است. به‌عنوان مثال در توصیف حجم کار مشارکت‌کننده کد p03 می‌گوید:

«الان درسته که شاید در مقایسه با گذشته پرستار بیشتری استخدام شده باشه ولی بار شیفت همچنان زیاد هست و نیاز به استخدام داریم. به نظرم در رده شغلی ما در بیمارستان خیلی از افراد جدا از همه دلایل به خاطر شرایط سخت کاری مجرد موندن، چه کسی حاضره شریک زندگیش همیشه شیفت باشه».

در این بین برخی مصاحبه‌شونده‌ها نیز معتقد بودند نوع کار و توجه به آن موجب شده تا آنها کمتر به شرایط خود در زندگی خانوادگی توجه داشته باشند. مشارکت‌کننده کد p24 می‌گوید:

«من با مادرم زندگی می‌کردم و از وقتی فوت شدن تنها شدم تا قبلش هرچی مادرم می‌گفت از دواج کنم تمایلی نداشتم و نمی‌خواستم تنهاش بگذارم و خودمو غرق در کار و بیمارستان کرده بودم. الانم که سن از دواجم گذشته و حوصله از دواج ندارم».

در برخی موارد نیز، بعضی کارکنان با در نظر گرفتن اهمیت مسائل اقتصادی و ارتباط آن با مجرد به این مسئله اشاره داشتند که زندگی کارمندی و موقعیت مالی این قشر در حال حاضر شرایط مساعدی برای ازدواج محسوب نمی‌شود. در این رابطه مشارکت‌کننده کد p16 می‌گوید:

«ما جزء شاغلین سطح بالا نیستیم که بشه گفت به لحاظ اقتصادی و مالی مشکلی نداریم، پس چرا ازدواج نمی‌کنیم، یعنی بگیم خوب الان استخدام هستیم و حقوق بگیریم، دغدغه مالی نداریم و قدرت تأمین زندگی و مسکن داریم.»

علاوه بر این در توصیف زمینه‌ها و بسترهای مجرد در ارتباط با شغل و ماهیت کار برخی مشارکت‌کنندگان به تفاوت‌های سازمانی در نوع استخدام و مزایا و حمایت‌های متناسب با این نوع قراردادها نیز اشاره کردند. مشارکت‌کننده کد p04 ضمن اشاره به وجود برخی حمایت‌ها برای کارکنان رسمی می‌گوید:

«رسمی شدن سابقه بالا می‌خواد و تا فرد بخواد رسمی بشه که جای پاش محکمتر بشه و از مزایا هم استفاده کنه، خوب سنش رفته بالا و دیگه شانس ازدواج نداریم و شایدم حوصله ازدواج کردن نداشته باشیم. البته به نظرم یک سری امتیاز رسمی شدن برای افراد متأهل گذاشتن که من اطلاع دقیق ندارم.»

باین حال نکته جالب توجه آنکه عده‌ای از کارکنان معتقد بودند؛ مسئله ازدواج چندان ارتباطی با سازمان ندارد. مشارکت‌کننده کد p05 می‌گوید:

«باید ببینیم ریشه مجرد چیه صرفاً با تشویق و حمایت سازمان که کسی نمیداد ازدواج کنه. اونهایی هم که با این چیزا ازدواج میکنن به نظرم از قبل هم دنباله ازدواج بودن. اول باید فرد مناسب پیدا کرد، شرایط رو مهیا کرد و بعد ازدواج کرد. مثلاً یک پسری می‌خواد ازدواج کنه، لنگه یک مقدار پوله، خوب این کمک‌هزینه برای اون خوبه ولی عامل تشویق به ازدواج نیست.»

۵-۱-۲. ضعف قوانین حمایتی سازمان

تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده نشان می‌دهد، «ضعف قوانین حمایتی سازمان» یکی از زمینه‌ها و بسترهای تأثیرگذار بر امر مجرد بوده است. مشارکت‌کننده کد p12 در این ارتباط می‌گوید:

«در رابطه با اینکه سازمان چه حمایتی از افراد مجرد برای تشکیل خانواده میکنه، خبر چندانی ندارم.. تا جایی که میدونم شاید یه وام بده که مبلغش هم خیلی زیاد نیست... مطمئن باشید اگر حمایت خوب و چشم‌گیری داشت، الان خبردار بودیم... اگر هم باشه اینقدر کم هست که واقعاً تشویق حساب نمیشه.»

یکی از مقولات جالب توجه در ارتباط با زمینه‌ها و بسترهای سازمانی، بی‌اطلاعی کارکنان از قوانین حمایتی تأمین اجتماعی است. برخی کارکنان در هنگام مواجهه با این سؤال که سازمان تأمین اجتماعی در رابطه با تشویق کارکنان و حمایت از ازدواج آنها چه برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی دارد؟ پاسخی مبتنی بر عدم آگاهی می‌دادند. مشارکت‌کننده کد p18 در این باره می‌گوید:

«واقعیتش رو بخواین اطلاع ندارم. معمولاً در رابطه با این‌طور حمایت‌ها اطلاع‌رسانی نمیشه. البته شایدم برای کارکنان رسمی باشه و شامل حال ما نمیشه که خبر ندارم...».

در برخی موارد نیز عده‌ای از کارکنان حمایت ارائه‌شده را متناسب با نیاز کارکنان ندانسته و آن را مؤثر نمی‌دانند.

به‌نظر می‌رسد عده زیادی از کارکنان اطلاعات چندانی از سیاست‌های حمایتی سازمان نداشته باشند از این‌رو امکان بهره‌مندی و بهره‌برداری مناسب نیز کم می‌شود. این بی‌اطلاعی می‌تواند تحت تأثیر حداقل دو عامل شکل بگیرد؛ ابتدا عدم اطلاع‌رسانی قوانین و آگاه‌سازی کارکنان نسبت به آنها و دوم عدم جستجو و پیگیری کارکنان نسبت به قوانین حمایت از تشکیل خانواده که می‌تواند ناشی از فقدان انگیزه آنها برای ازدواج و تشکیل خانواده باشد.

علاوه بر این، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در برخی موارد مشارکت‌کنندگان به چالش‌های اجرای سیاست‌های حمایتی و نقاط ضعف آن توجه داشته‌اند. مشارکت‌کننده کد p01 می‌گوید:

«این مجرد و متأهل کردن فضا رو در داخل سازمان دوقطبی میکنه، هرچند خوب اینها سیاست‌های تشویقی دیگه. از نظر من بیشتر داره سوءاستفاده میشه تا استفاده. اگه این سیاست‌ها کمک کنه طرف ازدواج کنه یا بچه بیاره خوب خوبه ولی یک موقع بیشتر سوءاستفاده میاره...».

برخی مشارکت‌کنندگان نیز به عدم ثبات قوانین و تغییرات آن توجه نشان داده‌اند. مشارکت‌کننده کد p02 می‌گوید:

«قوانین دائم تغییر میکنه و ثبات قانون نداریم و برنامه‌ریزی‌ها دقیق نیست.. دیگه کسی اعتماد نمیکنه به این سیاست‌ها و اصلاً سیاست‌ها کافی نیست...».

۳-۱-۵. عدم متناسب‌سازی شرایط شغلی با زندگی خانوادگی

«عدم متناسب‌سازی شرایط شغلی با زندگی خانوادگی» یکی از مقولات به‌دست‌آمده از تحلیل مصاحبه‌های کیفی است. روایت مشارکت‌کنندگان در توصیف زمینه‌ها و بسترهای تجرد نشان می‌دهد، در برخی موارد ممکن است مسائل و مشکلات شغلی و ماهیت و نوع کار در سازمان، امکان ایجاد تعادل بین کار و خانواده را برای عده‌ای از کارکنان به‌ویژه متأهلین دشوار نماید و این مسئله می‌تواند به‌نوعی بر زندگی افراد مجرد و فراهم نمودن زمینه و بستر ازدواج آنها نیز مؤثر باشد. مشارکت‌کننده کد p07 در خصوص مسائل متأهلین می‌گوید:

«برخی همکارامون که متاهلن واقعاً دچار مشکلن به‌خصوص در تقسیم شیفت‌ها. کار بیمارستان یک‌طرف و مسغولیت‌های خانواده طرف دیگه...».

برخی مشارکت‌کنندگان نیز حجم کار را مانعی در ادغام کار و زندگی خانوادگی و فرصت رسیدگی به

امور شخصی می‌دانند. مشارکت‌کننده کد p03 می‌گوید:

«شیفت‌ها کم شده ولی بار شیفت همون هست، باین‌همه فشار کار و سختی کار وقتی میریم خونه نای حرف زدن هم نداریم، جالبه که خیلی وقت‌ها متأهل‌ها به ما میگن خوشبختون ما که هر وقت میریم خونه تازه شروع کاره».

۵-۲. مقوله اصلی دوم: زمینه‌ها و بسترهای فردی و اجتماعی

تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، علاوه بر بسترها و زمینه‌های متأثر از سازمان، بسیاری از مشارکت‌کنندگان تحت تأثیر زمینه‌ها و بسترهای فردی و اجتماعی، تجرد را به‌عنوان امری «خودخواسته و اختیاری» و یا تحت تأثیر شرایط اجتماعی و به‌عنوان امری «اجباری و ناخواسته» برگزیده‌اند که در چهار مقوله فرعی «تجردگزینی به‌مثابه سبک زندگی»، «درهم‌تنیدگی عقاید سنتی و رویه‌های مدرن»، «چالش‌ها و مسائل اقتصادی-اجتماعی» و «ترسناک‌انگاری ازدواج» مقوله‌بندی شده است.

۵-۲-۱. تجردگزینی به‌مثابه سبک زندگی

«تجردگزینی به‌مثابه سبک زندگی» اولین مقوله به‌دست‌آمده در رابطه با بسترها و زمینه‌های فردی و اجتماعی است، تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده نشان می‌دهد، زندگی مجردی تبدیل به‌نوعی از سبک زندگی در عده‌ای از جوانان شده که یکی از مهم‌ترین مصادیق آن تقویت فردگرایی، تأکید بر استقلال فردی، عدم پاسخگویی و عدم مسئولیت‌پذیری در مقابل دیگری و احساس آزادی است که به‌نوعی در فرد شکل گرفته و از طریق عضویت در گروه‌های دوستانه و حتی جمع‌های خانوادگی تقویت‌شده و حتی ممکن است با تشویق نیز همراه باشد. به نظر می‌رسد برخی کارمندان نیز باتوجه‌به سطح درآمدی و همچنین به‌واسطه نگرانی از تأمین آینده خانواده و رهایی از قیدوبند مسئولیت‌های زندگی خانوادگی این سبک زندگی را انتخاب کرده‌اند.

مشارکت‌کننده کد p04 می‌گوید:

«لان با گذشته فرق کرده، قبلاً افراد نیاز به ازدواج داشتن که به‌استقلال برسند، از طریق ازدواج آزادی به دست می‌آوردند ولی حالا همه چی در خونه پدر دارن، اتفاقاً ازدواج دست و پاشونو می‌بنده و آزادیشون رو از دست میدن.. الان خیلی از جوونها به خاطر از دست ندادن آزادیشون هست که ازدواج نمیکنن».

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، «تغییر ملاک و معیارهای سن ازدواج» یکی از مفاهیم این تحقیق است که بنا بر روایت مشارکت‌کنندگان، اشاره به تغییر سن تجرد و حداقل و حداکثرهای سن ازدواج دارد. از نظر برخی مشارکت‌کنندگان تحت تأثیر تغییر و تحولات اجتماعی و سبک زندگی امروزی، افراد مثل گذشته در سنین پایین ازدواج نمی‌کنند و یا اصولاً آمادگی ازدواج هم ندارند. مشارکت‌کننده کد p05 می‌گوید:

«سن ازدواج بالا رفته چون معیارها تغییر کرده، شرایط سخت شده و خیلی چیزها تاثیرگذاره تو بالا رفتن سن ازدواج. قبلاً همه می‌گفتند باید ازدواج کنند تا پیشرفت کنن و زندگیشون رو سروسامون بدن، الان خیلی‌ها ممکنه بگن همین زندگی مجردی خوبه و با همین مجردی پیشرفت میکنن و زندگیشون از نظرشون کامل باشه. ممکنه فرد به تنهایی زندگی کنه و احساس رضایت داشته باشه و پیشرفت کنه».

برخی مشارکت‌کنندگان این تغییر سن ازدواج را در دگرگونی‌های مرتبط با رشد و تکامل عقلی افراد و تحت تأثیر تغییر و تحولات اجتماعی توصیف و تفسیر می‌کنند. مشارکت‌کننده کد p23 در این خصوص می‌گوید:

«بینید الان نسبت به گذشته سن ازدواج فرق کرده. بحث ثبات فکری و رشد عقلی هست. پسر زیر ۳۰ سال و دختر زیر ۲۵ سال هنوز به ثبات نرسیدن که بخوان ازدواج کنن..».

با این حال نکته جالب توجه آنکه برخی مشارکت‌کنندگان با تأکید بر تفاوت‌های میان زنان و مردان، معتقد بودند زنان با کاهش شانس مادر شدن در سنین بالای ۴۰ سال، عملاً شانس ازدواجشان نیز در مقایسه با مردان هم سن و سال کمتر می‌شود و به‌نوعی ممکن است زنان در مقایسه با مردان از افزایش سن ازدواج بیشتر متضرر شوند. مشارکت‌کننده کد p14 می‌گوید:

«بین آقا و خانوم فرقه خوب ممکنه قدرت باروری آقا هم کم میشه ولی خوب برای خانومها فرق میکنه حالا این نظر منه ممکنه طرف مقابل به همچین چیزی فکر نکن ولی من حق میدهم بهش و میپذیرم».

از طرفی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، سبک زندگی سختگیرانه که به‌نوعی حاصل تغییر و تحولات اجتماعی و واگذاری مسئولیت انتخاب همسر بر عهده فرد است نیز از نظر برخی مشارکت‌کنندگان، زمینه‌ساز تجرد معرفی شده است. مشارکت‌کننده کد p15 در این خصوص می‌گوید:

«من خودم خیلی خواستگار داشتم که الان که فکر می‌کنم، بعضی هاشون خیلی هم خوب بودن ولی من به خاطر اینکه ممکنه شانس بهتری هم در آینده داشته باشم رد کردم».

از نظر مشارکت‌کنندگان از دست رفتن فرصت ازدواج یکی از بسترها و زمینه‌های تأثیرگذار در تجرد است. در این بین برخی مشارکت‌کنندگان هم بر جایگزینی ازدواج و تشکیل خانواده با کار اشاره می‌کردند. مشارکت‌کننده کد p06 می‌گوید:

«کسی که سنش یه ذره میره بالا دیگه میلی به ازدواج نداره، انگار احساسات و علاقتشون میره به سمت کار و پول جمع کردن، به‌خصوص در مردها. ازدواج یکجورایی فراموششون میشه. دخترام سنشون میره بالا خواستگارشون کم میشه، اگر هم میل به ازدواج داشته باشند دیگه خواستگار باب میلشون نیست، چیزی که خودم درگیرشم و بهم استرس میده».

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد، برخی مشارکت‌کنندگان تجرد را به‌عنوان سبک زندگی

انتخاب کرده و به نوعی مجرد آنان امری انتخاب شده است. مشارکت کننده کد p20 می گوید:

«واقعیتش احساس راحتی می کنم که اگر ازدواج می کردم این آرامش و زندگی راحت رو از دستش می دادم. الان طلاق و مشکلات خانوادگی زیاد هست که از مجردی و زندگی به تنهایی خیلی بدتره».

برخی مشارکت کنندگان در این پژوهش نیز با در نظر گرفتن برخی مسائل و چالش های زندگی خانوادگی، عدم ازدواج را متأثر از توجه به این مسائل توصیف و تفسیر نموده اند. مشارکت کننده کد p13 می گوید:

«از نظر من ازدواج کردن تنها مهم نیست، مهم کیفیت زندگیه، وقتی ازدواج کنی ولی نتونی از پس هزینه ها بریایی و یا همیشه با همسرت اختلاف داشته باشی، ازدواج چه فایده ای داره».

به نظر می رسد، آرمان گرایی و ایدئالی فکر کردن به ازدواج و شرایط همسر، یکی از عواملی است که ضمن بالا بردن انتظار از ازدواج و همچنین افزایش انتظار از خود و شرایط موجود، مانع ازدواج در برخی از افراد شده و تحت تأثیر تغییر در سبک زندگی و شیوه همسرگزینی قابل تبیین است.

۵-۲-۲. درهم تنیدگی عقاید سنتی و رویه های مدرن

تحلیل مصاحبه های کیفی انجام شده نشان می دهد، «درهم تنیدگی عقاید سنتی و رویه های مدرن» یکی از مقوله های به دست آمده از مصاحبه ها است. برخی مشارکت کنندگان با در نظر گرفتن موقعیت و شرایط متولدین دهه شصت به نوعی چالش های این نسل را در بحبوحه این تغییر و تحولات نشان می دهد. از یک سو توجه به مسئله فرزندآوری به عنوان یکی از اهداف ازدواج و از سوی دیگر روند کاهش اختلاف سنی میان زوجین و چالش های اختلاف سنی در رویکردهای مدرن. در این خصوص مشارکت کننده کد p10 می گوید:

«یک معضل دیگه که شاید در بین خانوم های کارمند و خوب شاغلین تأمین اجتماعی هم دیده میشه، دخترای دهه شصتی هستند. آقای دهه شصتی دوست داره با دختر دهه هفتادی ازدواج کنه که بچه هم بتون داشته باشن، ولی خوب الان دهه هفتادی ها نسبت به دهه شصتی ها، بیشتر ازدواج کردن و این طوری دختر و پسرای دهه شصتی باقی موندن. پسرای دهه شصتی اکثراً موقعیت خوبی برای ازدواج دارن، کار و خونه و ماشین دارن ولی کسی رو میخوان که از خودشون ۱۰-۱۵ سال کوچکتره که بتونه بچه هم بیاره. الانم که وضعیت با گذشته فرق کرده و این تفاوت سنی ها رو شاید کمتر بپذیرن».

برخی مشارکت کنندگان نیز با اشاره به برخی سنت ها و رسوم مرتبط با ازدواج نظیر لزوم انتخاب و خواستگاری پسر از دختر آن را به عنوان یکی از موانع ازدواج دختران برمی شمردند، باین حال این دختران علی رغم تغییر و تحولات در ازدواج و شیوه های همسرگزینی بر رعایت این رسم تأکید داشتند. مشارکت کننده کد p15 می گوید:

«یکی از دلایل تجرد دخترا به نظرم عدم تمایل پسرها به ازدواج هست. پسرا باتوجه به مسائل و مشکلاتی که به لحاظ اقتصادی و شرایط کار و درآمد هست اکثراً تا بالای سی سال هم آمادگی ازدواج ندارند و به نظرم از زیر مسئولیت ازدواج و تشکیل خانواده فرار می‌کنند، با این کار عملاً دخترا هم شانس ازدواج رو از دست میدن چون خودشون که نمیتونن برن خواستگاری، بعد از مدتی هم که پسرا بالای ۴۰ سال رفتن و یاد ازدواج میوفتن، میرن سراغ دخترهای کم سن و سال که بعضی وقتها از خودشون ده تا پانزده سال کوچکترون و عملاً دخترای هم سن و سال این پسرها مجرد باقی می‌مونن.»

در این بین برخی مشارکت‌کنندگان نیز به مسئله‌ی هم کفوی اشاره داشته و معتقدند اگرچه در حال حاضر برخی رسوم و قواعد ازدواج تغییر کرده ولی در بسیاری مواقع از سوی خانواده‌ها تأکید بر رعایت آنهاست. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، توجه به برخی کلیشه‌ها و تصورات قالبی نیز به مسئله تجرد افراد دامن زده‌است. موضوع بالاتر بودن پسران از دختران یکی از آنهاست.

مشارکت‌کننده کد p25 با اشاره به موضوع اشتغال زنان می‌گوید:

«زن شاغل استقلال مالی داره و خوب یه احساس عدم وابستگی براش هست که توقعش رو شاید بالا ببره که دیگه دلش نخواد با هر کسی ازدواج کنه از طرفی هم تو فرهنگ ما مرد باید یکم هم شده، سطحش بالاتر باشه خوب این‌طور موقع‌ها پیدا کردن فرد مناسب سخت میشه.»

باین‌حال برخی مشارکت‌کنندگان نیز مخالف این مسئله بودند که اشتغال زنان موجب تجرد در آنها شده باشد. مشارکت‌کننده کد p01 می‌گوید:

«شاغل بودنم از نظر من هیچ تاثیری بر ازدواج نکردنم نداشته... الان دخترای روستای بازمانده از ازدواج هم داریم، دیگه ازدواج‌های سنتی و اینکه یک نفر بخواد معرفی کنه خیلی کم شده.»

تحلیل مصاحبه‌های تحقیق نشان می‌دهد، از نظر برخی مشارکت‌کنندگان اختلافات فرهنگی به ویژه در بین خانواده‌ها نیز می‌تواند مانعی بر ازدواج جوانان و فراهم نمودن زمینه تجرد آنان باشد. مشارکت‌کننده کد p23 می‌گوید:

«خیلی وقتها شرایط ازدواج داریم و به توافق هم میرسیم ولی خانواده‌ها اختلاف فرهنگی دارن و یا به لحاظ اعتقادات مذهبی و پذیرش نوع پوشش با هم فرق دارن. اون چیزی که جوونها می‌پسندند و به تفاهم میرسن، بزرگترها نمی‌پسندند و تحت تاثیر فرهنگشون قراردارن و اینطوری ازدواج شکل نمیگیره و جوونها از خیر ازدواج میگذرن. یک موقعی فرد میپذیره شرایط رو ولی خانوادش متعصبین.»

۵-۲-۳. چالش‌ها و مسائل اقتصادی- اجتماعی

«چالش‌ها و مسائل اقتصادی- اجتماعی» یکی از مقوله‌های این تحقیق در توصیف زمینه‌ها و بسترهای فردی- اجتماعی تجرد است. مصاحبه‌شونده‌ها بر مسائل اقتصادی به عنوان یکی از عوامل مهم موثر بر

تجرد و یا تأخیر ازدواج تأکید دارند. مشارکت‌کننده کد p01 می‌گوید:

«وقتی صحبت میکنیم با دیگران خوب هر فردی دوست داره سرو سامون بگیره و ازدواج کنه...تعداد کسایی که دوست ندارن ازدواج کنن به نظرم خیلی کمه و دوستم دارن بچه‌دار بشن ولی مسئله‌ای که در جامعه ما وجود داره اینه که همه میترسن. از فضای اقتصاد کلان میترسن. حالا هرچقدر هم بگیم تاثیرگذار نیست بازم تاثیرگذاره و مردم از آینده می‌ترسن».

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد، برخی مصاحبه‌شونده‌ها با بیان بسته یا پکیجی از مسائل اجتماعی و تلاش در جهت برجسته نمودن تفاوت ازدواج دختران و پسران دارند، در این برخی مشارکت‌کنندگان نیز عدم توان حمایتی خانواده و از سوی دیگر انتظار آنها از همسر آینده و فرزندشان را در مجموع دلایل افزایش مجرد موثر برمی‌شمرند. به عنوان مثال مشارکت‌کننده کد p14 می‌گوید:

«خیلی از پسرا درآمد کافی ندارند حتی اگه کارمند باشند و خانواده هم توان حمایت از اونها رو نداره ... همینطور هم ممکنه کیس مناسب پیدا نکرده باشن. دخترا هم همینطور خیلی مواقع به خاطر پیدا نکردن کیس مناسب ازدواج نمیکنن، ولی برای دختران شاغل انتظار هست خواستگار تحصیلات و شغل مناسب داشته باشه و بتونه حداقل خونه و زندگی رو فراهم کنه. یک موقعی هم دختر راضی هست ولی خانواده به خاطر نداشتن همین شرایط که گفتم و نگرانی از حیف شدن دخترشون خواستگار رو رد میکنن..».

چرخه مسائل اجتماعی یا سیکل مسائل اجتماعی، یکی از مفاهیم این پژوهش است که اشاره به اثرگذاری مسائل اجتماعی بر یکدیگر و اینکه ریشه هر مسئله اجتماعی در مسئله‌ای دیگر است و به نوعی در میان روایت‌های برخی مشارکت‌کنندگان شنیده شده‌است. به عنوان مثال مشارکت‌کننده کد p11 می‌گوید:

«الان اگر بخوای در مورد مجرد صحبت کنی، باید به این مسئله هم بپردازید که یکی از نیازهای ازدواج مسکن هست، خیلی از جوونها چون قادر به تهیه خونه نیستند می‌ترسند ازدواج کنند. مسکنم به خاطر شرایط اقتصادی و تورم همیشه خرید. الان به کارمند چند سال باید کار کنه تا یک خونه بخره... به نظرم مشکل مسکن رو حل کنن، مشکل ازدواج خود به خود حل میشه».

۵-۲-۴. ترسناک‌انگاری ازدواج

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، «ترسناک‌انگاری ازدواج» یکی از مقوله‌های این پژوهش است که از نظر عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان، زمینه و بستر امتناع جوانان از ازدواج را فراهم نموده‌است. مشارکت‌کننده کد p03 در این خصوص می‌گوید:

«تو بین پسرا مجردا رو تشویق میکنن که چه کار خوبی کردی در بین دخترا هم تقریباً هست اینکه آقا بالاسر نداری، خوشبخت‌الت الان من باید برم خونه برم تو آشپزخانه غذا درست کنم ولی بازم دخترا کمتر به هم میگن و زنان متاهل کمتر بهم میگن».

علاوه بر این ممکن است در جریان برخی مشکلات قرار گرفتن و یا مشاهده چالش‌های بعضی خانواده‌ها نیز موجب ترس و تردید بعضی از افراد مجرد شود. مشارکت‌کننده کد p18 می‌گوید:

«از نظر من سازمان نقشی در تجرد من نداشته، به نظرم افراد خودشان نمی‌خوان ازدواج کنن چرا که از اطرافیانسون در رابطه با زندگی های زناشویی چیزهای ناراحت کننده‌ای مثل خیانت و کاهش اعتماد میشنوند، آمار طلاقم بالاست خوب انگیزه ازدواج رو کم میکنه.»

از طرفی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ترس و وا همه مجردین از مسئولیت‌های زندگی خانوادگی و همچنین نگرانی از آینده نیز بر نگرانی آنها افزوده است.

در این خصوص مشارکت‌کننده کد p13 می‌گوید:

«الان که مجردی لازم نیست به کسی جواب پس بدی یا خرج خونه و زن و بچه بدی. واقعا زندگی تو این دوره خیلی سخته و همیشه زیر بار مسئولیتش رفت»

و یا مشارکت‌کننده کد p18 می‌گوید:

«از نظر من پسرا به خاطر اول عدم تمکن مالی و درآمد ناکافی و بعد به خاطر پیدا نکردن کیس مناسب و در نهایت ترس از آینده ازدواج نمیکنن و دخترا هم ترس از آینده و پیدا نشدن خواستگار مناسب مجرد باقی موندن. به نظرم دلایل اقتصادی خیلی مهم هست، پسرا بیشتر به این دلیل ازدواج نمیکنن به نسبتش هم دخترا کیس مناسب پیدا نمیکنن. من خودم به خاطر نداشتن خونه و درآمد کافی و نبود دختری که برای ازدواج مناسب هم باشیم ازدواج نکردم واقعیتش از مهریه و دلالی برخی برای مهریه و... میترسم.»

مصاحبه بالا نشان می‌دهد، برخی مشارکت‌کنندگان با ارتباط برقرار کردن میان دلایل عدم ازدواج دختران و پسران، علل تجرد دختران را تابعی از عدم میل به ازدواج پسران توصیف می‌کنند، در برخی موارد نیز افراد سعی در تحلیل ابعاد مسئله تجرد در قالب نوعی فداکاری داشته‌اند. مشارکت‌کننده کد p14 می‌گوید:

«این همه مجرد، ما هم یکی مثل اونها... در جامعه امروزی متاهل بودن سخته و باید مجرد زندگی کرد. خیلی هزینه‌ها بالاست. وقتی خودت به جایی نرسیدی چرا با زندگی خانوادگی و ازدواج بچه بیاری و یک عده دیگه هم قربانی کنیم.»

جدول ۲. توزیع زمینه‌ها و بسترهای تجرد کارکنان

مفاهیم اولیه	مقوله فرعی	مقوله اصلی
فشار کاری، حجم کار بالا، کار با ارباب رجوع، کمبود نیرو، مشکلات شغلی پزشکان و پرستاران، وقت کم، بار شیفت زیاد کادر درمان، سختی کار، گستردگی و تنوع واحدهای سازمانی، تبعیض شغلی، تنوع شغلی، تفاوت و تبعیض در نوع استخدام (قراردادی، ساعتی، رسمی و..)	نظام ساختاری و سازمانی	
خانواده به مثابه امر بیرون از نظام کار درحالی‌که کار، جهت تأمین نیازهای افراد و خانواده‌هاست، حقوق کم در مقایسه با تورم، مسئله تجرد امری فراسازمانی، قانون نانوشته: یا کار یا ازدواج، مشکلات کارکنان زن و چالش‌های مادری، چالش‌های متأهلین و عدم تعادل کار و خانواده-	عدم متناسب‌سازی شرایط شغلی با زندگی خانوادگی	زمینه‌ها و بسترهای تجرد
بی‌اطلاعی کارکنان از قوانین حمایتی سازمان، عدم شفافیت در ارائه حمایت‌ها و اطلاع‌رسانی، عدم حمایت چشمگیر سازمانی - عدم متناسب بودن حمایت‌ها با نیاز کارکنان به ویژه مجردان، بی‌علاقگی و فقدان انگیزه کارکنان به دانستن قوانین، نبود فرصت ازدواج در درون سازمان - عدم رضایت از مداخله سازمان در امور فردی و خانوادگی - دوری از برنامه‌های تشویقی ازدواج - سطحی و مقطعی بودن برنامه‌های تشویقی - اجرای سطحی و بدون ارزیابی برنامه‌های تشویقی - عدم ارائه برنامه کارشناسی شده و دقیق - دهه شصتی‌های سازمان و سرگردانی در ازدواج - اولویت قرار گرفتن نامرئی مجردین.	ضعف قوانین حمایتی سازمان	متأثر از سازمان

مفهوم اولیه	مقوله فرعی	مقوله اصلی
تمایل به تجرد، تغییر سن ازدواج، از دست رفتن جذابیت ازدواج و اولویت نبودن ازدواج، مجردی به مثابه رهایی و آزادی (غلبه فردگرایی)، موج مد تجرد- از دست رفتن فرصت و شانس ازدواج، ناامیدی از ازدواج، عدم مسئله‌مندی تجرد برای خانواده و جوانان.	تجرد گزینی به مثابه سبک زندگی	
جامعه مدرن با معیارهای سنتی، اعتقاد به سنت‌ها و رعایت هنجارها- سبیره هنجارها و کلیشه‌ها (زمینه‌های فرهنگی)، اعتقاد سنتی خانواده، سخت‌گیری، تأکید بر هم کفو بودن همه جانبه، انتظارات بالا از شریک زندگی، در جستجوی شریک بی نقص، ایدئال‌گرایی و در انتظار همسر ایدئال، بی‌نیازی و استقلال فردی دختران، در انتظار کیس مناسب، رهاکردن مسئله ازدواج در خانواده و واگذاری ازدواج به خود افراد.	درهم تنیدگی عقاید سنتی و رویه‌های مدرن	زمینه‌ها و بسترهای فردی و اجتماعی
تورم، گرانی، نداشتن مسکن، نداشتن درآمد کافی، واهمه از آینده اقتصادی و توان مالی، کاهش قدرت حمایتی خانواده‌ها، کم‌تحملی، کاهش قدرت نان‌آوری مردان و ترس از اداره امور خانواده، واگذاری مسئولیت به فرزندان.	چالش‌ها و مسائل اقتصادی- اجتماعی	تجرد
ایجاد ترس و دلهره از ازدواج، ترس از تکرار تجربه دیگران، یا ترس از تله ازدواج، برساخت هیبت ترسناک برای ازدواج و مسئولیت‌های متأهلین، برحذرداشتن از ازدواج، تعویق ازدواج برای رسیدن به موقعیت و فرد مناسب، ترس از خیانت و روابط آزاد میان دختر و پسر، افزایش سن ازدواج دختران تبعی از افزایش سن ازدواج پسران، وجود برخی آسیب‌های اجتماعی.	ترسناکانگاری ازدواج	

۵. بحث و نتیجه‌گیری:

در پژوهش حاضر تلاش شده تا با استفاده از روش تحقیق کیفی در دو فاز میدانی و مصاحبه با مردان و زنان مجرد، زمینه‌ها و بسترهای تجرد مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. در مجموع یافته‌های تحقیق که حاصل مصاحبه کیفی با ۲۶ مرد و زن مجرد شاغل در تأمین اجتماعی است، نشان می‌دهد، زمینه‌ها و بسترهای تجرد را می‌توان در دو مقوله اصلی «زمینه‌ها و بسترهای متأثر از سازمان» و «زمینه‌ها و بسترهای فردی و اجتماعی» که خود شامل هفت مقوله فرعی و حدود ۸۵ مفهوم اولیه است، دسته‌بندی نمود.

سه مقوله فرعی «نظام ساختاری و سازمانی»، «عدم متناسب‌سازی شرایط شغلی با زندگی خانوادگی» و «ضعف قوانین حمایتی سازمان» در ذیل مقوله اصلی زمینه‌ها و بسترهای تجرد متأثر از سازمان به‌دست آمده است. نظام ساختاری و سازمانی و ضعف حمایت‌های سازمانی از جمله مقوله‌های بدست آمده در این پژوهش است که زمینه و بستر تجرد را برای کارکنان فراهم نموده‌است. از این رو حقوق و درآمد ناکافی، عدم تمکن مالی، فقدان امنیت شغلی، تخصیص حمایت‌های ناچیز مالی و وام و مواردی نظیر این از جمله مسائلی است که کارکنان مطرح نموده و آن را مرتبط با تجرد دانسته‌اند، این یافته تحقیق با نتایج پژوهش شکوری و همکاران (۱۳۹۷) که عدم تمایل به ازدواج را در میان کارکنان ادارات شهرستان همدان مورد بررسی قرار داده، هم‌راستا است. نتایج تحقیق شکوری و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد، تمکن مالی ناکافی علی‌رغم داشتن درآمد و اعتقاد به تأمین هزینه فرصت ازدواج از جمله مواردی است که بر تجرد تأثیرگذار است نتایج برخی تحقیقات نیز نشان داده‌اند که حجم کاری بالا، ساعات کاری طولانی، حقوق پایین و برنامه‌های کاری غیرمنعطف، پیامدها و آسیب‌های جسمانی و روانی داشته و فرایند زندگی را به‌مخاطره می‌اندازند (کاراته‌په^۱، ۲۰۱۱؛ چیانگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۰).

علاوه‌براین، یافته‌های تحقیق نشان داد، «عدم متناسب‌سازی شرایط شغلی با زندگی خانوادگی» از جمله مسائلی است که از نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، به لحاظ سازمانی، زمینه و بستر تجرد را فراهم می‌آورد. این یافته تحقیق نیز با نتایج تحقیقات پیشین در حوزه تعادل کار و زندگی همخوانی دارد. تعادل کار و زندگی، تلاش یک کارمند برای تقسیم توان و زمان خود برای ایجاد تعادل میان کار و زندگی شخصی است (گئورگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۸) و برقراری این تعادل می‌تواند فرصت کافی برای کار و رسیدگی به خانواده، دوستان و جامعه را فراهم نماید (گارویس و پترسن^۴، ۲۰۰۵). «ضعف قوانین حمایتی سازمان» یکی از زمینه‌ها و بسترهای تأثیرگذار بر امر تجرد بوده‌است. در این ارتباط مفاهیمی نظیر؛ بی‌اطلاعی کارکنان از قوانین حمایتی سازمان، عدم شفافیت در ارائه حمایت‌ها و اطلاع‌رسانی، عدم حمایت چشمگیر سازمانی، عدم متناسب بودن حمایت‌ها با نیاز کارکنان به ویژه مجردان، بی‌علاقگی و فقدان انگیزه کارکنان به دانستن قوانین، نبود فرصت ازدواج در درون سازمان، عدم رضایت از مداخله سازمان در امور فردی و خانوادگی، دوری از برنامه‌های تشویقی ازدواج، سطحی و مقطعی بودن برنامه‌های تشویقی، اجرای سطحی و بدون ارزیابی برنامه‌های تشویقی و مواردی نظیر این، از جمله مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌های عمیق کیفی بوده‌است.

بر اساس یافته‌های تحقیق و باتوجه‌به مقوله اصلی دوم؛ «بسترها و زمینه‌های فردی و اجتماعی تجرد»،

1- Karatepe
 2- Chiang
 3- George
 4- Gurvis & Patterson

در مجموع می‌توان به این نتیجه دست یافت که مواجهه افراد با پدیده مجرد به دو گونه مجرد‌گزینی انتخابی و اجباری قابل تقسیم‌بندی است، به این گونه که برخی افراد تحت تاثیر تغییر و تحولات اجتماعی، فرار از مسئولیت تشکیل خانواده، فردگرایی و تمایل به رهایی از قید و بندهای زندگی خانوادگی و «تجرد‌گزینی به مثابه سبک زندگی»، تمایل به مجرد داشته و یا ازدواج خود را به تاخیر می‌اندازند. در این بین عده‌ای نیز به دلیل برخی مسائل و مشکلات نظیر چالشهای مالی و اقتصادی و فقدان مسکن مناسب، از دست رفتن فرصت ازدواج، چالشهای شغلی و غرق شدن در کار، ضعف حمایت‌های اجتماعی و مواردی نظیر این، ناچار به تجرد‌گزینی شده و به نوعی با مجرد اجباری و یا ناخواسته مواجه هستند. نتایج تحقیق آپوستولو (۲۰۱۹) نیز که با عنوان «آیا افراد با انتخاب آگاهانه مجرد هستند؟» انجام شده، نشان می‌دهد، نیمی از افراد مشارکت‌کننده در پژوهش بر خلاف میل خود و به‌طور ناخواسته و تحمیلی تن به مجرد و زیستن به تنهایی داده‌اند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد «درهم تنیدگی عقاید سنتی و رویه‌های مدرن» در فراهم نمودن زمینه و بستر مجرد افراد اثرگذار است. بدین شکل که جامعه از سویی با پدیده‌های مدرن و نو مواجه است و بیشتر جوانان نیز تلاش بر مدرن شدن، داشته و تحت تأثیر آن و بهره‌مندی از امکانات و تحولات مدرن، سبک زندگی خود را برمی‌گزینند، از طرفی همچنان خانواده‌ها و حتی خودشان تحت تاثیر باورها، ارزش‌ها و اندیشه‌های سنتی و کلیشه‌های قالبی به‌ویژه در ارتباط با ازدواج هستند و این مسئله ضمن از دست دادن فرصت ازدواج در آنان، موجب مجرد نیز شده‌است. نتایج تحقیق وانگ و داگلاس (۲۰۱۳) نشان می‌دهد، اگرچه مجرد برای زنان جوان در کشورهای غربی تبدیل به یک سبک زندگی شده، ولی در کشور چین هنوز زن مجرد بالای ۳۰ سال یک استثنا محسوب شده و ارزش‌های اجتماعی خانواده‌های سنتی چینی این زنان جوان را مجبور به ازدواج و فرزندآوری می‌کند. این یافته پژوهش نیز با ارجاع به نظریه فرامادی‌نگری، اینگلهارت (۱۳۸۳) قابل تبیین است. در نظریه اینگلهارت به تأثیرات مدرنیته بر تغییر ارزش‌ها، عقاید، احساسات و همچنین انتقال مولفه‌های فرهنگی تأکید شده که موجب شکل‌گیری فردگرایی و خودمحوری در افراد و همچنین سنت‌زدایی در طبقات اجتماعی می‌شود که در نهایت سلايق و ترجیحات افراد را به سمت ارزش‌های فردی، استقلال و آزادی و در نتیجه تجرد‌گزینی سوق می‌دهد.

علاوه‌براین در یافته‌های پژوهش به تأثیر خانواده و نقش آنان در مجرد نیز توجه شده‌است. خانواده از یک‌سو با واگذاری مسئولیت به فرزندان در فرایند مدرن شدن و قائل شدن به حقوق آنها در پایان دادن به مجرد از یک‌سو و ازسوی دیگر ناتوانی در حمایت مالی از مجردین، بر مجرد آنان تأثیر می‌گذارد. علاوه‌براین که خانواده در فرایند انتخاب همسر از طریق اعمال نظر و تأکید بر رعایت معیارها و رویه‌های سنتی نیز به‌نوعی زمینه مجرد فرزندان را فراهم می‌آورد. نتایج تحقیق صادقی‌فسایی و بنی‌جمالی

(۱۳۹۹) نیز که با عنوان «جوانان، خانواده و مدیریت ازدواج» انجام شده، نشان می‌دهد، بیشترین بار اصلی ازدواج فرزندان طبق نقش سنتی، بر دوش خانواده است که فاقد منابع لازم برای انجام آن هستند. از طرفی خانواده‌ها تلاش می‌کنند تا ضمن برآورده نمودن خواسته‌های جوانان، استقلال و فردیت آنها و حق انتخابشان در ازدواج را ببپذیرند.

در نهایت نتایج تحقیق نشان داد، «ترسناک انگاری ازدواج» یکی دیگر از مقولات به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر است که تحت تأثیر کنش‌های متأهلین و آنچه آنها از ازدواج بر ساخت و روایت می‌کنند و همچنین در مشاهدات روزمره مجردین از زندگی زوجین، اختلافات زناشویی و همچنین آمار رسمی و غیررسمی طلاق می‌شنوند، شکل گرفته و آنها را نسبت به ازدواج دچار تردید می‌نماید. از این رو برخی مجردین به علت ترس از ازدواج ناموق و گرفتار شدن در مسائل زندگی خانوادگی، نظیر طلاق و خیانت‌های زناشویی و همچنین انتظارات آرمان‌گرایانه از ازدواج، از انجام آن سرباز می‌زنند. این یافته‌های تحقیق با نتایج پژوهش شکوری و همکاران (۱۳۹۷) که ترس از ازدواج ناموفق و همچنین داشتن انتظارات آرمان‌گرایانه از ازدواج و نوع نگرش به ازدواج را از عوامل معنادار مرتبط با تجرد بدست آورده، همخوانی دارد.

در مجموع باتوجه به یافته‌های تحقیق می‌توان بیان داشت؛ چالش‌های تجرد زنان و مردان علاوه بر طرح سیاست‌های حمایتی از سوی دولت و برنامه‌ریزی حاکمیت، نیازمند حمایت و تسهیلی‌گری سازمانی به‌ویژه در توفیق سیاست‌های تشویقی کلان در جامعه و همچنین فراهم نمودن زمینه‌های سازمانی ازدواج و زندگی متأهلی است. از این رو پیشنهاد می‌شود با عنایت به بند ۸ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی در خصوص «ارائه خدمات لازم به منظور تحکیم نهاد خانواده و فرزندآوری»، سازمان نسبت به تخصیص حمایت اقتصادی از ازدواج کارکنان از طریق امکان بهره‌مندی از مسکن‌های ارزان قیمت و یا سازمانی، اعطای وام‌های متناسب با حقوق و شرایط اقتصادی جامعه اقدام نماید. همچنین پیشنهاد می‌شود، از سوی مدیریت سازمان بازنگری نسبت به حجم کار و ساعات کاری کارکنان، با هدف نزدیک نمودن کارکنان به خانواده و کاهش تعارض نقش‌ها میان کار و زندگی خانوادگی و همچنین افزایش فرصت زندگی خانوادگی از طریق امکان بهره‌مندی از دورکاری (در صورت امکان)، ساعت شناور حضور و در نهایت استخدام و جذب نیرو صورت پذیرد.

منابع

۱. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، جلد دوم، تهران: کویر.
۲. بشیری خطیبی، بهنام، باصری، علی‌راد، فیروز، هاشم‌زهی، نوروز. (۱۳۹۹). «مطالعه جامعه‌شناختی تجرد‌گزینی جوانان». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۹ (۴)، ۸۷۹-۹۰۶.
۳. بلیکی، نورمن. (۱۳۸۹). طراحی پژوهش‌های اجتماعی، مترجم: چاوشیان، تهران: انتشارات نی، چاپ سوم.
۴. تاج‌بخش، غلامرضا، نصیری، محمد. (۱۴۰۰). رابطه متغیرهای اقتصادی و افزایش سن ازدواج با رویکرد سیاست‌های کلی جمعیت. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۹ (۳۳)، ۸۲-۱۰۳.
۵. جنادله، علی، رهنما، مریم. (۱۳۹۳). دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های ملی). خانواده پژوهی، ۱۰ (۳)، ۲۷۷-۲۹۶.
۶. حبیب‌پور گنتابی، کرم، غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران. زن در توسعه و سیاست ۹ (۱)، ۳۴ تا ۷.
۷. حسینی، ناهید، سید میرزایی، سید محمد، ساروخانی، باقر. (۱۳۹۷). واکاوای دلالت‌های معنایی ازدواج نزد جوانان (مطالعه موردی: جوانان مجرد ساکن شهر تهران سال ۱۳۹۶). زن در توسعه و سیاست، ۶ (۲)، ۲۷۰-۲۴۳.
۸. درودی آهی، ناهید. (۱۳۸۳). بررسی ازدواج و عدم توازن در تعداد دو جنس: مزیغه ازدواج در ایران (۱۳۴۵-۷۵). پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
۹. رضادوست، کریم، ممینی، ایمان. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تأخیر سن ازدواج و متغیرهای میزان درآمد، میزان تحصیلات و تعدادی دیگر از متغیرها در زنان شاغل. مشاوره کاربردی، ۱۱ (۱)، ۱۲۰-۱۰۳.
۱۰. سایت مرکز آمار ایران سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۱. <https://www.amar.org.ir>
۱۱. سلامتی هرمزی، شکوفه. (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای ادراک‌ها و نگرش‌های دختران مجرد شهر بندرعباس نسبت به ازدواج و پیامدهای تجرد»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه هرمزگان - پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۱۲. شکوری، اعظم، نقدی، اسداله، امامعلی زاده، حسین، و رحیمی، زهرا. (۱۳۹۷). عوامل موثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۷ (۴۱).
۱۳. صادقی فسایی، سهیلا، بنی جمالی، سید محسن. (۱۳۹۹). جوانان، خانواده و مدیریت ازدواج، فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۸ (۴۴)، ۱۹۲-۱۶۷.
۱۴. صفاری نیا، مجید، صالح میرحسینی، وحیده. (۱۳۹۲). بررسی رابطه حجم کار، کنترل کار و تعادل کار زندگی، دوفصلنامه شناخت اجتماعی، ۲ (۳)، ۷۶-۸۸.
۱۵. ضرابی، وحید، مصطفوی، سید فرخ. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۱ (۴)، ۹۹-۶۸.

۱۶. کرسول، جان. (۱۳۹۴). پویش کیفی و طرح پژوهش، انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری و مطالعه موردی)، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار، چاپ دوم.
۱۷. گنجی، محمد، پیری، حسن، واحدیان، مرتضی. (۱۴۰۰). گونه‌شناسی دختران ازدواج نکرده ایلامی برحسب دلایل مجرد. مطالعات زن و خانواده. ۹ (۱). ۲۱۲-۱۸۹.
۱۸. محبی، فاطمه، سیاح، مونس، حسینی، شیما. (۱۳۹۵). دلالت‌های معنایی تاخیر در ازدواج دختران دانشجو. مطالعات زنان و خانواده، ۶ (۲ (۱۹)). ۲۷۴-۲۵۱.
۱۹. محمودیان، حسین. (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان. نامه علوم اجتماعی، ۱۱ (۴) (پیاپی ۲۴)، ۵۴-۲۷.
20. Apostolou, M., Papadopoulou, I., & Georgiadou, P. (2019). Are people single by choice? Involuntary singlehood in an evolutionary perspective. *Evolutionary Psychological Science*, 5(1), 98-103.
21. Chiang, F. F., Birtch, T. A., & Kwan, H. K. (2010). The moderating roles of job control and work-life balance practices on employee stress in the hotel and catering industry. *International Journal of Hospitality Management*, 29(1), 25-32.
22. Easterlin, R. A. (1976). Factors in the decline of farm family fertility in the United States: Some preliminary research results. *The Journal of American History*, 63(3), 600-614.
23. Easterlin, R. A., Macdonald, C., & Macunovich, D. J. (1990). How have American baby boomers fared? Earnings and economic well-being of young adults, 1964-1987. *Journal of Population Economics*, 3, 277-290.
24. George, N., Kiran, P. R., Sulekha, T., Rao, J. S., & Kiran, P. (2018). Work-life Balance among Karnataka State Road Transport Corporation (KSRTC) Workers in Anekal Town, South India. *Indian journal of occupational and environmental medicine*, 22(2), 82.
25. Goldscheider, F., Bernhardt, E., & Lappegård, T. (2015). The gender revolution: A framework for understanding changing family and demographic behavior. *Population and development review*, 41(2), 207-239.
26. Gurvis, J., & Patterson, G. (2005). Balancing act: Finding equilibrium between work and life. *Leadership in Action: A Publication of the Center for Creative Leadership and Jossey-Bass*, 24(6), 4-9.
27. Karatepe, O. M. (2011). Do job resources moderate the effect of emotional dissonance on burnout? A study in the city of Ankara, Turkey. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 23(1), 44-65.
28. Maubrigades, S. (2015). Connections between womens age at marriage and social and economic development. *Gender Inequalities and Development in Latin America during the Twentieth Century*. M.
29. Wang, H., & Abbott, D. A. (2013, September). Waiting for Mr. Right: The meaning of being a single educated Chinese female over 30 in Beijing and Guangzhou. In *Women's Studies International Forum* (Vol. 40, pp. 222-229). Pergamon.